



معصومه صادقی اردستانی

## چکیده

امام محمد باقر(ع) فرزند امام جعفر صادق(ع) پنجمین امام معصوم، شخصیتی به تمام معنا جامع و برجسته و وارث علوم رسول خدا(ص) به شمار می رود. کرامت اخلاقی، صبر، زهد، تقوا، و رسیدگی به احوال محرومان از جمله ویژگی های آن حضرت است. شخصیت علمی امام باقر(ع) به سبب موقعیت خاص زمانی از درخشش ویژه ای برخوردار است. از جمله تلاش بی وقفه امام باقر(ع) تقویت پایه های فرهنگی و تعلیم آموزه های قرآن و سنت رسول خدا(ص) و مبارزه با غالیان و دروغ پردازان بود. در این مقاله به جامعیت آن امام همام از جهات، علمی، فرهنگی، اجتماعی به صورت کوتاه اشاره می شود.

کلید واژه: امام باقر(ع)، شخصیت، قرآنی، علمی، اخلاقی.

امام محمد باقر(ع) پنجمین ستاره درخشان امامت در سوم صفر سال ۵۷ در خاندان علم و وحی ولادت یافت.

از القاب آن امام بزرگوار می توان به باقرالعلوم (شکافنده علم) هادی، شاکر، امین و شبیه (شباهت به پیامبر) نام برد.<sup>۱</sup>

شیخ طوسی و شیخ صدوق در امالی خود روایت کرده اند: «حضرت رسول (ص) آن امام را باقر نامید و به جابر فرمود: ای جابر زمان یکی از اولاد مرا که از فرزندان حسین(ع) است درک خواهی کرد او هم نام من است و علم را با مهارت بسط می دهد و می شکافد.

وقتی دیدی سلام مرا به او برسان» ۲.

جابر بن یزید جعفی درباره ایشان می فرماید: لَأَنَّهُ بَقِرَ الْعِلْمَ، بَقِرَ أَي شَقَّهْ وَ أَظْهَرَ أَظْهَارًا. ۳  
امام محمد باقر(ع) در زندگی سراسر نور و روشنی خود آینه تمام قد فضیلت ها و تقوی  
بود. ایشان در اجرای رسالت توحیدی و مقام امامت خویش همچون ائمه معصوم(ع) دیگر،  
قرآن مجسم بودند و در تمام برنامه های خویش چنان پیوندی عمیق با قرآن داشتند که کمتر  
روایتی را می توان از ایشان به دست آورد، که در آن اشاره یا تفسیری از قرآن نباشد.  
پیش از آنکه به شخصیت والای قرآنی امام محمد باقر(ع) پردازیم تعاریفی از واژه  
«شخصیت» را بیان می کنیم.

۱. واژه شخصیت به الگوی نسبتاً پایدار و ثابت افکار و رفتار یک فرد اطلاق می شود.
  ۲. مجموعه نفسانیات هر کس شخصیت او را تشکیل می دهد.
  ۳. شخصیت افراد، در نتیجه ظهور و بروز صفت خاصی مشخص می شود.
- ظهور شخصیت علمی، اخلاقی و اجتماعی امام محمد باقر(ع) را می توان همان  
پرورش در خاندان با اصالت وحی و امامت و پیوند عمیق و ناگسستنی با قرآن و همچنین  
نهایت بندگی و عبادت خدا دانست.
- شخصیت قرآنی امام محمد باقر(ع) را می توان به سه بخش تقسیم کرد:

### الف: شخصیت اخلاقی

امام محمد باقر(ع) علاوه بر مقام امامت، سرچشمه رحمت و احسان و فیض الهی  
بودند. در اخلاق و رفتار متواضع، در گفتار صادق، در دیدار با مردم بسیار گشاده رو بودند.  
«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (الفرقان،  
۶۳/۲۵)؛ و بندگان خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی روند و  
هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب و عتابی کنند با سلامت نفس پاسخ می دهند. ایشان همپای  
همه ارزش های اخلاقی و دینی خود در اوج بندگی و عبادت خداوند قرار داشتند، تا جایی  
که آثار سجده در پیشانی و بینی آن حضرت دیده می شد. همواره در ذکر و یاد خدا بود و از  
خوف خدا می گریست. «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»  
(الاحزاب، ۳۳/۳۹)؛ این سنت خداست در حق آنان که تبلیغ رسالت خدا به خلق کنند و از  
خدا ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی ترسند.

زندگی امام محمد باقر<sup>(ع)</sup>، یک زندگی همه بعدی و جامع بود، که هرگز پرداختن به یک برنامه او را از برنامه‌های دیگر باز نمی‌داشت، به عنوان نمونه در این جا به چند مورد اشاره می‌کنیم:

### کار و تلاش در اوج زهد و تقوا

توجه به استغناي نفس و تلاش برای کسب معاش و تامین روزی حلال، از بهترین و ارزنده ترین ابعاد اخلاقی و اقتصادی امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> به شمار می‌رود تا آنجا که در جواب محمد بن منکدر که از زهاد صوفی گرا بوده است و تصمیم دارد وی را به خاطر تلاش و کار زیاد موعظه کند، می‌فرماید: «به خدا سوگند اگر در چنین حالتی مرگ به سراغم آید، به حق در حالت اطاعت از خداوند به سراغم آمده است».<sup>۴</sup>

خداوند هم در قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (الجمعة، ۱۰/۶۲)؛ پس آنگاه که نماز پایان یابد، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی به چنگ آورید. وجه مناسبت این آیه با روایت مذکور این است که آیه شریفه تلاش و کوشش و پرداختن به کسب و کار را پس از ادای فریضة جمعه روا و جایز شمرده است. بنابراین امام باقر<sup>(ع)</sup> هم به حکم این گونه آیات، پس از انجام واجبات، به کسب و کار برای بی‌نیازی از مردم می‌پردازد.

### رسیدگی به حال محرومان جامعه

امام صادق<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: پدرم با این که از نظر امکانات مالی، نسبت به سایر خویشاوندان، در سطح پایین تری قرار داشت، هر جمعه به نیازمندان انفاق می‌کرد و می‌فرمود: «انفاق در روز جمعه، دارای ارجحی افزونتر است چنان که روز جمعه خود بر سایر روزها برتری دارد». خداوند در قرآن کریم آورده است: «إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» (البقرة، ۲/۲۷۱)؛ اگر به مستحقان آشکارا انفاق صدقات کنید، کاری نیکوست، لیکن اگر در پنهانی به فقیران کمک رسانید نیکوتر است.

### صبر و شکیبایی

یکی دیگر از ویژگی‌های ارزشمند اخلاقی امام محمد باقر<sup>(ع)</sup> صبر و بردباری اوست. ایشان در برابر هتک حرمت‌ها و بی‌احترامی‌هایی که احیاناً از جانب افراد نادان و کوتاه بین

به ایشان نسبت داده می‌شد، حلم و بردباری عجیبی داشتند. همان‌طور که این تحمل فوق‌العاده و اعجاب‌انگیز نشانه یک شخصیت اصیل و ممتاز به شمار می‌رود، در مقابل، روحیه‌ی آزار و اذیت افراد آزاردهنده و هم‌از یک فکر کوتاه و ناقص و همچنین شعله‌های برخاسته از آتش حسادت و کینه‌توزی به ساحت افراد پرنفوذ که از یک جایگاه و موقعیت ویژه‌ای برخوردار هستند، سرچشمه می‌گیرد.

### ب: شخصیت علمی

از آن زمان که حکومت جابرانه و خودکامه مروانیان جانشین حکومت سست اندیش و نابخرد بنی‌امیه شد، به ترتیب ولید بن عبدالملک (۹۶ق)، سلیمان (۹۹ق)، عمر بن عبدالعزیز (۱۰۱ق) و یزید بن عبدالملک (۱۰۷ق)، هشام بن عبدالملک (۱۲۵ق) حکومت را در شهر مدینه الرسول به دست گرفتند. فضای جامعه اسلامی آن روز، رنگ تاریکی به خود گرفت. دریایی متلاطم از حوادث بحران‌های فکری، و تندروی‌ها و کجروی‌ها به وجود آمد و مردم به تجمل‌پرستی و ثروت‌اندوزی روی آوردند. غناپردازی و آوازه‌خوانی رواج یافت و دنیاطلبی و دنیا دوستی در میان مردم به اوج خود رسیده بود.

تحت چنین شرایطی امام محمد باقر(ع) که راهبری کشتی اسلامی را بر عهده داشتند. براساس مقتضیات زمان و شرایط خاص آن روز، متناسب با جبهه‌گیری دشمنان و در نظر گرفتن اصحاب و یاران مخلص، می‌بایست برای ایفای مسئولیت و رسیدن به هدف نهایی خویش برنامه‌ی فکری فرهنگی خود را تنظیم می‌کردند.

زیرا که دیگر نه جای سکوت بود و نه جای کنار نشستن. نه جای صلح بود و نه زمان جنگیدن و فدا شدن. بنابراین شیوه جنبش اسلامی و سیاسی با مخالفان اسلامی و حاکمیت استبدادی آن روز که سعی در خاموش کردن اهل بیت(ع) داشت، باید شکل دیگری به خود می‌گرفت.

امام محمد باقر(ع) یک شخصیت برجسته‌ی علمی به شمار می‌رفت و در آن زمان آشناترین فرد به تفسیر و رموز قرآن و آگاه‌ترین افراد بود. وی افقه و اعلم و شایسته‌ترین ترجمان وحی به شمار می‌رفت. بنابراین در ادامه راه پدر بزرگوارش امام سجاد(ع) که به تشکیل مدارس تفسیری و تربیت مبلغان دینی پرداختند، تأسیس یک مرکز علمی اسلامی

را در دوران امامت خود بنیان نهادند که در زمان فرزند بزرگوارشان امام صادق (ع) نیز ادامه یافت و به اوج خود رسید.

به این ترتیب تشکیل این جلسات دینی، با هدف گسترش فرهنگ قرآنی و ترویج آن در میان مردم یک نوع مخالفت و جبهه گیری با دستگاه حاکم وقت به شمار می رفت. چرا که جایی برای مبارزه رو در رو علنی با شرایط حاکم آن زمان نبود.

امام باقر (ع) برای معرفی خود درباره ی شایستگی برای تفسیر قرآن می فرماید: «ما يستطيع احد ان يدعي ان عنده جميع القرآن كله ظاهره و باطنه غير الاوصياء»<sup>۵</sup>؛ کسی به غیر از جانشینان پیامبر نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن، ظاهر و باطنش نزد اوست. و در جای دیگری می فرماید: «ان من علم اوتينا تفسير القرآن و احكامه»<sup>۶</sup>؛ حقیقتاً دانشی که به ما داده شده همان تفسیر قرآن و بیان احکام است.

مقام علمی و فقهات امام (ع) چندان اطراف را تحت الشعاع قرار داده بود که به او لقب باقرالعلوم داده بودند. به خاطر این موقعیت علمی همواره، در محضرش هواداران علم و دانش از بلاد اسلامی آن روز و شیعیان عراق حضور داشتند و آنچنان مفتون شخصیت علمی اش بودند که در برابرش با خضوع هر چه تمامتر، اجازه حضور می یافتند. به اعتراف تمام دانشمندان شیعی نخستین کسی که علم اصول را تأسیس و قواعد آن را تدوین و جمع آوری کرد، امام محمد باقر (ع) بودند. علم اصول به علم استنباط و استخراج احکام شرعی از ادله و براهین شرعی گفته می شود.

### نمونه ای از تفسیر آیات قرآن

زرارة بن أعین و محمد بن مسلم ثقفی که از بزرگ ترین راویان احادیث اهل بیت به شمار می روند، در روایتی می گویند: از امام باقر (ع) در مورد نماز مسافر سوال کردیم. امام (ع) فرمودند: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» (النساء، ۱۰۱/۴)؛ هنگامی که به سفر می روید، بر شما گناهی نیست که نماز خود را کوتاه کنید. به امام عرض کردیم، خداوند فقط فرموده بر شما گناهی نیست و نفرموده افعلا که ظهور در وجوب داشته باشد پس چگونه از این آیه فهمیده می شود که واجب است. امام فرمود: «آیا نمی دانید که خداوند در مورد صفا و مروه فرموده است: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ

عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا» (البقرة، ۱۵۸/۲)؛ پس هر کس حج خانه خدا و یا عمره را به جا آورد بر او گناهی نیست که سعی صفا و مروه را انجام دهد. آیا نمی بینید که طواف آن دو- صفا و مروه - واجب شده است. چون خداوند در قرآن آورده است و پیامبر (ص) آن را انجام داده است».

### مبارزه با فتنه دروغپردازی و غالیان

هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل کرده است: «مغیره بن سعید از روی عمد و غرض ورزی بر پدرم دروغ می بست، تا جایی که یاران مغیره در جمع اصحاب امام باقر (ع) می آمدند و روایات را از ایشان می گرفتند و به مغیره می رساندند و او مطالب کفرآمیز و باطل را می افزود و به امام نسبت می داد».

امام باقر (ع) از وجود چنین افراد ناسالم، آگاهی کامل داشت و درباره پیغمبر (ص) می فرمود: «مغیره، مانند بلعم است که خداوند در حق وی فرمود: «الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبِعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ» (الاعراف، ۱۷۵/۷)؛ ما آیات خود را به او عطا کردیم، ولی او به عصیان گرایید و پیرو شیطان گشت و در زمره گمراهان جهان قرار گرفت».<sup>۷</sup>

### ارجاع امت به قرآن و افشای چهره عالم نمایان

در زمان امامت امام محمد باقر (ع) عدم آشنایی به مسائل سیاسی و عقیدتی جامعه و همچنین در دسترس نبودن مفسران آشنا باعث شده بود که با قیاس و توجیه گری و تکیه بر آرای شخصی، عقیده ای را ابراز کرده و یا فتوا دهند. بنابراین، بهترین راه برای مبارزه با این مشکل بازگرداندن مردم به قرآن و بیدار کردن آنان نسبت به احادیث بی ریشه و غیر مستند به وحی بود، امام باقر (ع) در این راستا می فرمود: «هر گاه من حدیث و سخنی برای شما گفتم، ریشه قرآنی آن را از من جویا شوید». سپس فرمود: «پیامبر از قیل و قال زیاد و هدر دادن و تباه ساختن اموال و پرس و جوی زیاد، نهی فرموده است». به آن حضرت گفته شد: این مطالب در کجای قرآن آمده است؟ امام باقر (ع) فرمود: «در قرآن آمده است: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» (النساء، ۱۱۴/۴)؛ از این آیه استفاده می شود که بیشترین سخنان نجوایی و به درازا کشیده شده فاقد ارزش است، مگر سخنی که در آن امر به انفاق یا کار نیک و یا اصلاح میان مردم باشد.

«وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا» (النساء، ۵/۴)؛ همچنین این آیه نهی

می کند از این که اموال را در معرض نابودی و تباهی قرار دهیم. «لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ بُدِّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ» (المائدة، ۱۰۱/۵)؛ و این آیه بیان می کند که هر سوالی شایسته و مفید نیست، چرا که بعضی از پرسشها باعث ناراحتی و نگرانی انسان می شود».

هدف امام باقر(ع) از این سخنان این بود که مردم با قرآن انس و گرایش بیشتری داشته باشند تا در سایه انوار الهی آن، انحراف های فکری و سطحی نگری های عالم نمایان برای ایشان محرز گردد.

### ج: شخصیت سیاسی

از آن جا که بینش سیاسی در طول بینش توحیدی و عبادی ائمه معصومین(ع) قرار داشته است لذا آنان نمی توانستند نسبت به امور سیاسی و آن چه بر جامعه اسلامی می گذرد بی تفاوت باشند. بینش سیاسی ائمه(ع) هم، همان بینش سیاسی قرآنی است. امام باقر(ع) در زمینه حفظ کیان جامعه اسلامی، بر موضعگیری های عملی که در قرآن نیز به آن سفارش شده است، تاکید فراوان داشتند. از جمله این مواضع به لزوم مبارزه علیه کفر و ستم، عدالت اجتماعی و استفاده از روش های قهرآمیز علیه ظلم و ستم می توان اشاره کرد.

### لزوم تداوم مبارزه علیه کفر و ستم و شرک

ضرورت مبارزه علیه کفر و ستم، از جمله خط مشی های سیاسی قرآن است، که امام باقر(ع) هم بر آن اهمیت فراوانی مبذول می دارد.

مردی از شیعیان در مورد جنگ های امام علی(ع) از امام باقر(ع) سؤال هایی کرد و -چنان که از پاسخ برمی آید، آن مرد در صدد شناخت فلسفه آن جنگ ها و دلیل ضرورت و مشروعیت آن بوده است - امام باقر(ع) فرمود: «خداوند و پیامبرش حضرت محمد(ص) را همراه با پنج شمشیر مبعوث کرد. سه شمشیر که همواره کشیده است و هرگز نباید در نیام رود مگر آن که دشمن دست از ستیز با اسلام و ارزشهای اسلامی بردارد. و عبارتند از:

۱. شمشیر علیه مشرکان عرب که خداوند درباره آنان فرمود: «فَاَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ...» (التوبة، ۵/۹).

۲. شمشیر علیه کافران که از دین حق روی گردانند. «فَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...» (التوبة، ۲۹/۹).

۳. شمشیر علیه مشرکان غیر عرب

۴. شمشیری که همواره مترصد است. شمشیر علیه ستمکاران، متجاوزان، فسادانگیزان و نیز اهل تأویل - تحریف - است.

۵. اما شمشیر در نیام، شمشیر قصاص است که خداوند می فرماید: «النَّفْسُ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنُ بِالْعَيْنِ» (المائدة، ۴۵/۵)؛ حکم با ما و تقاضای قصاص با بازماندگان مقتول است». امام (ع) با بیان این سخنان می خواست به آن مرد بفهماند، هر زمان که لازم باشد، شیعیان نباید ساکت بنشینند و علیه ستمگران و تجاوزگران جبهه بگیرند و آنان را سر جای خود بنشانند.

### عدالت اجتماعی

امام باقر (ع) در راستای اهداف متعالی و الهی خود، همواره عدالت اجتماعی را سر لوحه برنامه خود قرار می دادند، چرا که ریشه‌ی بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی و همچنین به وجود آمدن طبقات تهی دست و نیازمند را نبودن عدالت و مساوات می دانستند. ایشان از مصادیق عینی آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ» (النساء، ۱۳۵/۴)؛ بودند که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره به عدالت برخیزید، برای رضای خدا گواهی دهید». آری، برای اصلاح جامعه اسلامی از خطر انحطاط و سقوط و حرکت به سوی اعتلا و عزت جامعه برقراری عدالت اجتماعی، در راس همه برنامه‌ها قرار دارد تا آن جا که خداوند در قرآن می فرماید: «وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ... فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ... ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (النساء، ۵۹ و ۵۸/۴)؛ «و چون میان مردم داوری کنید به عدالت داوری کنید. و در دنباله آیه خطاب به اهل ایمان می فرماید: «چون در چیزی کارتان به گفتگو و نزاع کشد به حکم خدا و رسول بازگردید که رجوع به حکم خدا و رسول از هر چه تصور کنید بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود».

### استفاده از روش‌های قهرآمیز با ظالمان و ستمکاران

امام باقر (ع) در حرکت فرهنگی و تحول فکری و بینش سیاسی خود معتقد بودند که هر زمان که رهنمودها و هشدارها در مفسدان و ستمکاران موثر نیفتاد، باید شیوه‌ی مبارزه را



تغییر داد. امام (ع) در ترسیم این بینش می فرماید: «در برابر عمل ناشایست مفسدان و ظالمان با قلب و افکار به مبارزه بپردازید. و بر پیشانی ستمکاران بکوبید و در مسیر خدا از ملامت ملامتگران نهراسید».<sup>۸</sup>

خداوند هم در قرآن می فرماید: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ...» (الحديد، ۲۵/۵۷)؛ و آهن را که در آن سختی کارزار است، برای حفظ عدالت آفریدیم. در این آیه آهن به منزله اهرم قدرت و فشار است که خداوند بعد از کتاب و میزان برای یاری صاحبان رسالت علیه ظلم و ستم قرار داده است.

و تا زمانی که منطق و برهان، ستمکاران و ظالمان را سر جای خود نشانند، از قدرت به عنوان سلاح دیگری باید در مسیر اصلاح جامعه استفاده شود.

### نتیجه گیری

شخصیت امام باقر (ع) ضمن اینکه از یک پایگاه قوی، به نام خاندان با اصالت و مکتب پر بار وحی برخوردار بود، برگرفته از علم و دانش الهی و نیز پیوند لطیف و عمیق با قرآن بود. اگر چه در دوران امامت ایشان تندروی ها، استبداد و رفاه طلبی حاکمان نالایق بیداد می کرد ولی حضرت شیوه های بسیار عالمانه ای را به کار گرفت که دستاوردهای با ارزشی را هم برای جامعه اسلامی آن روز داشت. که در این جا به چند نمونه از این دستاوردها اشاره می کنیم:

۱. قدرت بخشیدن به اعتقادات و باورهای دینی جامعه از طریق فرهنگ قرآنی
۲. ترویج اندیشه های سیاسی برای مبارزه با ظلم و ستم
۳. ترویج علم و اجتهاد از طریق تربیت شاگردان و مبلغان دینی
۴. ارائه الگوهای عملی در میدان عبادت، زهد، کار و تلاش و انفاق و...

...

۵. اصول کافی، ۱/۲۲۸.

۶. همان.

۷. بحار الأنوار، ۴۶/۳۲۲.

۸. وسائل الشیعه، ۱۱/۱۰۳.

۱. کشف الغمه، ۲/۳۱۸.

۲. همان، ۱/۳۲۱.

۳. علل الشرایع شیخ صدوق، ۱/۲۳۳.

۴. ارشاد مفید، ۲/۱۵۹.